

رکوردداران حبس نفس؛ کدام حیوانات بیشتر زیر آب دوام می آورند؟



بسیاری از حیواناتی که در آب زندگی می کنند برای نفس کشیدن باید به سطح آب بیایند، اما با چند ترفند هوشمندانه می توانند زمان قابل توجهی را زیر آب بمانند. به گزارش اقتصادسراسر آمد، زومیت نوشت: دریافت اکسیژن کافی در آب می تواند کاری سخت باشد. در حالی که ماهی‌ها و بسیاری از جانوران آبی دیگر اکسیژن را مستقیماً از طریق آبشش‌ها از آب دریافت می کنند، برخی دیگر راه‌های مبتکرانه‌ای پیدا کرده‌اند: مثلاً حباب‌های هوا را از سطح به پایین می کشند یا هوا را در اطراف بدن خود به دام می اندازند؛ اما گروهی دیگر مسیر سخت‌تری را در پیش می گیرند. این موجودات نفس خود را حبس می کنند، به زیر آب شیرجه می زنند و بعد برای تنفس به سطح بازمی گردند و این چرخه را بارها و بارها تکرار می کنند.برخی از چنین جانورانی می توانند مدت‌زمان‌های شگفت‌انگیزی زیر آب بمانند؛ اما کدام حیوان بیشترین زمان را می تواند نفس خود را نگه دارد؟ و چه ویژگی‌هایی این توانایی را ممکن می سازد؟ اگرچه زمان‌های غواصی می تواند نشان دهنده که گونه‌ها معمولاً چقدر زیر آب می مانند، این مدت‌زمان می تواند بسته به اینکه چرا زیر آب می مانند، متفاوت باشد.به گزارش ایسنا ، ویلکو فربرک، دانشیار بوم‌شناسی در دانشگاه رادبود هلند، در ایمیلی به لایوساینس گفت: «بین زنده‌ماندن زیر آب (اینکه چقدر طول می کشد تا بمیرند) و حبس نفس (اینکه چقدر داوطلبانه زیر آب می مانند) تفاوت وجود دارد.» برای مثال، بر برخی جانوران ممکن است متیوز، دانشیار دانشگاه بریتیش کلمبیا که در زمینه تنفس حشرات پژوهش می کند، می گوید دیده شده که برخی مورچه‌ها می توانند در صورت غوطه‌ور شدن اجباری، چندین ساعت زنده بمانند. اما حتی مورچه‌های غواص تخصصی هم به‌طور داوطلبانه بیش از یک دقیقه زیر آب نمی مانند.مردم دو این است که جانوران برای حبس نفس باید شش داشته باشند. به گفته‌ی جان اسپایسر، جانورشناس دریایی در دانشگاه پلیموث بریتانیا: «حبس نفس فقط در مورد جانورانی صدق می کند که شش دارند و حتی در میان آن‌ها می توان به حیواناتی اشاره کرد که آبشش ندارند (مثل ماهی شش) یا از طریق پوست خود نفس می کشند (مثل قورباغه‌ها)». از قهرمانان مطلق در میان جانوران دارای شش که می توانند مدت طولانی زیر آب بمانند می توان به برخی لاک‌پشت‌های آبش شیرین مثل لاک‌پشت بلندینگ (Emydoidea blandingii) اشاره کرد. این خزندگان در نه رودخانه‌ها و دریاچه‌ها در زمستان به «بروماسیون» (نوعی خواب زمستانی برای خزندگان وارد می شوند و می توانند ماه‌ها برای آب بمانند؛ به این صورت وقتی زیر لایه‌ای از یخ گرفتار می شوند، بقایشان تضمین می شود. لاک‌پشت‌ها خونسرد هستند بنابراین در دوره‌های سرما سوخت سازشان کند می شود؛ به این ترتیب انرژی بیشتری ذخیره و اکسیژن کمتری مصرف می کنند. جان اسپایسر می گوید:بسیاری از گونه‌های لاک‌پشت آب شیرین با کاهش دمای محیط همه چیز را خاموش می کنند و عملاً می توانند ماه‌ها زیر آب بمانند. اگر بروماسیون را هم به حساب حبس نفس بیاوریم، لاک‌پشت‌های آب‌شیرین با اختلاف زیادی از سایر جانوران پیشی می گیرند.باین حال، لاک‌پشت‌های آب شیرین با یک ترفند «قلب» می کنند: آن‌ها مقادیر اندکی اکسیژن موجود در آب را از طریق حفره‌ای زیر شکم خود یا به بیان دقیق‌تر، «کلواک» که مجرایی چندمنظوره برای دفع فضولات، تولیدمثل جنسی و تخم گذاری است، جذب می کنند.اندازه بدن نقش مهمی در مدت زمان حبس نفس دارد، ویلکو فربرک می گوید: «اندازه بدن یک ویژگی کلیدی است و جانوران بزرگ‌تر می توانند مدت طولانی‌تری نفس خود را نگه دارند. علت این مسئله بیشتر بودن اکسیژن در جانوران بزرگ‌تر و کمتر بودن نسبت مصرف آن (تقاضای اکسیژن به ازای هر واحد وزن) است.»بنابراین، رقابت در حبس نفس، بین پستانداران بزرگ و خونسردهای بزرگ مثل کروکودیل‌ها و لاک‌پشت‌های دریایی دیده می شود. رکورد طولانی‌ترین غواصی ثبت‌شده توسط یک پستاندار متعلق به نهنگ نوک‌دار گویه است که توانست به مدت ۲۲۲ دقیقه یا ۳٫۷ ساعت زیر آب بماند. طبق مطالعه‌ی ویلکو فربرک، جان اسپایسر و همکارانشان در سال ۲۰۲۰، دیگر نهنگ‌ها هم غواصی‌های چشمگیری داشته‌اند: رکورد نهنگ نوک‌دراز آرنو برابر ۱۵۳ دقیقه و نهنگ عنبر برابر ۱۳۸ دقیقه بوده است.نهنگ‌ها توانایی غواصی طولانی را به کمک مجموعه‌ای از سازگاری‌های کلیدی به‌دست آورده‌اند. اسپایسر توضیح می دهد: «این سازگاری‌ها شامل کاهش ضربان قلب و متابولیسم، هدایت مجدد جریان خون از بخش‌هایی از بدن، خاموش کردن موقت برخی اندام‌ها مانند کبد و کلیه و ذخیره و آزادسازی مؤثر اکسیژن است که به لطف وجود پروتئین‌های تنفسی فراوانی چون میوگلوبین در ماهیچه‌ها و هموگلوبین در خون ممکن می شود.»

سرتبه گروه دفاعی – مرتضی فاختری – در جهان پرتلاطم امروز، امنیت ملی برای هر کشوری نه تنها یک اولویت حیاتی، بلکه بنیان تداوم و پیشرفت آن محسوب می شود. در این میان، دکترین دفاعی به عنوان نقشه راهی برای مواجهه با تهدیدات، تضمین بازدارندگی و حفظ توازن قدرت در برابر رقبای منطقه‌ای و جهانی، نقشی کلیدی ایفا می کند. دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران که طی دهه‌های اخیر با تأثیرپذیری از تجربیات جنگ تحمیلی، تحریم‌ها و تحولات ژئوپلیتیکی شکل گرفته است، اکنون در برابر چالش‌هایی نوین قرار دارد. به گزارش روزنامه اقتصاد سراسر آمد، مرتضی فاختری، محقق و پژوهشگر در مطلبی اختصاصی برای این روزنامه با نگاهی به پیشینه دکترین دفاعی در ایران و چالش‌های موجود به بررسی لزوم ایجاد اصلاحات بنیادین در دکترین دفاعی کشور پرداخته است. این محقق در این نوشتار همچنین پیشنهاداتی را برای اصلاح در دکترین دفاعی ایران مطرح کرده است. این مطلب را در ادامه می خوانید:

ظهور تهدیدات نوین مانند جنگ‌های سایبری، تسلیحات هوشمند و ائتلاف‌های متغیر بین‌المللی، لزوم بازنگری عمیق در این دکترین را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده‌اند. همچنین تغییرات ساختاری در نظام جهانی و منطقه‌ای و الزامات بومی‌سازی فناوری‌های دفاعی، ضرورت اصلاحات بنیادین را دوچندان کرده‌اند. از این رو، پرداختن به لزوم تحول در دکترین دفاعی ایران، نه تنها پاسخی به اقتضائات زمانه، بلکه ضرورتی برای تضمین بقا، اقتدار و پایداری امنیت ملی در آینده‌ای پیچیده و نامطمئن است.

پیشینه دکترین دفاعی ایران

دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران از نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، همواره تحت تأثیر مستقیم تحولات سیاسی، امنیتی و نظامی داخلی و خارجی شکل گرفته است. نخستین و شاید مهم‌ترین تجربه مؤثر در تکوین این دکترین، جنگ ۸ ساله با عراق بود. جنگی فرسایشی و تمام‌عیار که فقدان آمادگی نظامی و ساختار دفاعی منسجم را به‌روشنی آشکار ساخت و در نتیجه، گفتمان دفاعی کشور را به سوی دفاع مردمی، مقاومت همه‌جانبه و تأکید بر ترکیب بر ظرفیت‌های بومی سوق داد. در دوران پس از جنگ نیز تجربه تحریم‌های گسترده و فشارهای سیاسی و اقتصادی خارجی، ضرورت خوداتکایی در حوزه دفاعی را تقویت کرد و زمینه‌ساز توسعه صنایع نظامی داخلی در حوزه‌هایی چون موشک‌های بالستیک، پهپادها و جنگ الکترونیک شد.

در دهه‌های اخیر، ماهیت تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران از تهدیدات متعارف دولتی به تهدیدات نامتقارن، ترکیبی و فناورمحور تغییر یافته است. به عنوان نمونه، جنگ‌های نیابتی در منطقه، تهدیدات سایبری، عملیات‌های خرابکارانه هوشمند و رقابت‌های فضایی، همه و همه فضای پیچیده و چندلایه را در مقابل نیروهای دفاعی کشور ترسیم کرده‌اند. باوجود این تحولات، دکترین دفاعی ایران همچنان بیش از آنکه مبتنی بر یک چارچوب نظری منسجم و آینده‌نگر باشد، متأثر از واکنش‌های تاکتیکی به تهدیدات و تحولات مقطعی بوده است. این موضوع باعث شده که بسیاری از تصمیمات دفاعی خنبه‌ای واکنشی پیدا کرده و از انسجام راهبردی کافی برخوردار نباشد.

تمرکز دکترین فعلی بر بازدارندگی از طریق توسعه موشکی و تقویت گروه‌های نیابتی در منطقه، هر چند در دستیابی به اهدافی چون ایجاد موازنه قدرت در برابر برخی بازیگران مؤثر بوده، اما در بلندمدت ممکن است به دلیل فشارهای بین‌المللی و تحولات سریع فناوری‌های نظامی، پاسخگوی نیازهای امنیتی و دفاعی کشور نباشد. علاوه بر این، فقدان هماهنگی میان ارکان نظامی و سیاسی و نبود شفافیت در تعیین اهداف و ابزارهای راهبردی، می تواند به تشتت رویکردها و کاهش کارایی دکترین دفاعی منجر شود.

با توجه به رشد سریع فناوری، تحول در الگوهای جنگی و تغییر در موازنه قدرت جهانی، بازنگری بنیادین در دکترین دفاعی ایران ضروری است. بازتعریف نقش نیروهای نظامی در سطح منطقه‌ای،



همگام‌سازی سیاست‌های دفاعی با تحولات جهانی و ایجاد یک الگوی منعطف، چندلایه و بازدارنده می تواند به ارتقای قدرت راهبردی کشور کمک کند. این تحول نه تنها پاسخی به الزامات محیطی است، بلکه شرط بقا، ثبات و امنیت ملی در دهه‌های پیش‌رو خواهد بود.

چالش‌های کنونی دکترین دفاعی کشور

در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی پیچیده و چندبعدی مواجه است که ضرورت بازنگری در دکترین دفاعی کشور را دوچندان کرده‌اند. نخستین چالش، ظهور تهدیدات نوین و فناورمحور است. گسترش جنگ‌های سایبری، نفوذ اطلاعاتی، عملیات‌های دقیق با تسلیحات هوشمند و توسعه سامانه‌های پهبادی توسط بازیگران دولتی و غیردولتی، صحنه نبرد را به شدت دگرگون ساخته‌اند. ایران نیز در این فضا نه تنها باید از ظرفیت‌های دفاعی خود در برابر چنین تهدیداتی صیانت کند، بلکه باید بتواند قابلیت‌های بازدارندگی متناسب با این تحولات را ارتقا دهد. در فقدان زیرساخت‌های سایبری ایمن و به‌روز، کشور ممکن است در برابر حملاتی که با هزین کم اما تأثیر بالا طراحی شده‌اند، آسیب‌پذیر شود.

چالش دوم، فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های طولانی‌مدت است که در سال‌های اخیر، توانمندی‌های اقتصادی ایران را به شدت محدود کرده‌اند. این فشارها نه تنها مانع از دسترسی به فناوری‌های روز نظامی و همکاری‌های بین‌المللی دفاعی شده‌اند، بلکه برنامه‌ریزی راهبردی و نوسازی ساختارهای نظامی را با دشواری مواجهه ساخته‌اند. کاهش منابع مالی دولت می تواند بر آمادگی رزمی، آموزش نیروها، نگهداری تجهیزات و توسعه ظرفیت‌های فناوریانه تأثیر منفی بگذارد. این در حالی است که رقبا و دشمنان بالقوه ایران در حال سرمایه‌گذاری مستمر و گسترده در حوزه دفاعی هستند.

سومین چالش، وضعیت متغیر ژئوپلیتیکی منطقه و ایجاد ائتلاف‌های متنوع نظامی در همسایگی ایران است. شکل‌گیری پیمان‌های جدید امنیتی، افزایش حضور نظامی قدرت‌های جهانی در خلیج فارس و نزدیکی مرزهای ایران، و تعمیق همکاری‌های نظامی میان کشورهای رقیب، توازن منطقه‌ای را شکننده و ناپایدار کرده است. در چنین شرایطی، حفظ بازدارندگی مؤثر نیازمند دکترین دفاعی منعطف‌پذیر و چندلایه است که بتواند در برابر سناریوهای مختلف تهدید واکنش سریع، دقیق و هوشمندانه نشان دهد.

علاوه بر این چالش‌ها، روند روبه رشد معضلات و مشکلات اجتماعی در داخل، افکار عمومی جهانی و لزوم پاسخگویی شفاف‌تر در سیاست‌گذاری‌های دفاعی، بر پیچیدگی محیط امنیتی کشور می‌افزاید. در نتیجه، وابستگی صرف به عناصر سنتی قدرت نظامی دیگر پاسخگوی نیازهای امروز نیست. ایران باید به سمت نهادهی‌سازی یک نظام دفاعی هوشمند حرکت کند؛ نظامی که تلفیقی از قدرت سخت و نرم، فناوری و دیپلماسی و پیش‌بینی‌پذیری و انعطاف باشد. غفلت از این تحولات می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای امنیت ملی در پی داشته باشد و ظرفیت بازدارندگی کشور را به‌طور جدی تضعیف کند. از این رو، بازنشاسی چالش‌های پیش‌رو، گامی حیاتی برای طراحی دکترین دفاعی مؤثر و کارآمد است که نه تنها امنیت کشور را تضمین کند، بلکه آن را در فضای راهبردی آینده توانمند سازد.

ضرورت اصلاحات بنیادین در دکترین دفاعی

یکی از واقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر دنیای امروز این است که ماهیت تهدیدات و مناسبات امنیتی به سرعت در حال دگرگونی است. ایران نیز به عنوان کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی حساس و اهداف راهبردی مشخص، نمی‌تواند با اتسکا به دکترین‌های سنتی و رویکردهای واکنشی، امنیت ملی و منافع بلندمدت خود را تضمین کند. از این رو، ضرورت انجام اصلاحات بنیادین در دکترین دفاعی کشور، نه تنها یک انتخاب، بلکه ضرورتی حیاتی است. در گام نخست، باید به این واقعیت توجه داشت که بخشی

«روزنامه سرآمد» چالش‌های دکترین دفاعی را بررسی کرد؛

ضرورت اصلاحات بنیادین در دکترین دفاعی ایران

توسعه فناوری‌های بومی برای تغییر دکترین دفاعی چه الزاماتی دارد؟

از ساختار فعلی دکترین دفاعی ایران، حاصل تجربیات تاریخی و تهدیدات مقطعی گذشته است که اکنون ممکن است با محیط امنیتی امروزی و فناوری‌های تحول‌آفرین تطابق نداشته باشد. ادامه این رویکرد سنتی در شرایطی که دشمنان بالقوه از ابزارهای نوین، هوش مصنوعی و عملیات‌های چندبُعدی بهره می‌برند، می‌تواند منجر به عقب‌ماندگی راهبردی و تضعیف بازدارندگی شود.

باید به ضعف در یکپارچگی و انسجام دکترین دفاعی نیز اشاره کرد. نبود یک چارچوب نظری منسجم و متناسب با الزامات قرن ۲۱ باعث شده که برخی تصمیمات دفاعی بیش از آنکه بر مبنای آینده‌نگری و پیش‌بینی تهدیدات باشند، واکنشی و مبتنی بر فشارهای آنی باشند. چنین وضعیتی نه تنها مدیریت منابع را دشوار می‌سازد، بلکه موجب تشتت در سیاست‌گذاری دفاعی و افزایش هزینه‌های امنیتی می‌شود. اصلاحات بنیادین باید با هدف ایجاد یک دکترین هوشمند، منعطف و چندلایه طراحی شوند که بتواند در مواجهه با سناریوهای گوناگون، پاسخ‌هایی مؤثر و کم‌هزینه ارائه دهد.

فناوری‌های نوین نیز در حوزه‌های سایبری، فضایی، زیست‌فناورانه و هوش مصنوعی فرصت‌هایی بی‌سابقه برای ارتقای توان دفاعی کشور فراهم کرده‌اند، اما بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها مستلزم تحول ساختاری در نگرش دکترین دفاعی است. ایران نیازمند توسعه مراکز دانش بنیان دفاعی، تربیت نیروی انسانی متخصص، و سرمایه‌گذاری هدفمند در فناوری‌های آینده‌محور است تا بتواند در عرصه رقابت نظامی جهانی به جایگاه مناسبی دست یابد.

به‌طور کلی، اصلاحات بنیادین بدون بازتعریف روابط میان نیروهای مسلح و ساختارهای تصمیم‌گیری سیاسی ممکن نخواهد بود. شفاف‌سازی مأموریت‌ها، تقویت هماهنگی راهبردی و افزایش پاسخگویی در نهادهای دفاعی، از جمله ملزومات دکترین مؤثر در دنیای پیچیده امروز است. تنها از این مسیر است که می‌توان امنیتی پایدار، متوازن و منعطف برای ایران ترسیم کرد؛ امنیتی که نه از مسیر تقابل صرف، بلکه از طریق هوشمندی راهبردی و انعطاف در مواجهه با چالش‌ها حاصل می‌شود.

رویکردهای پیشنهادی برای اصلاحات بنیادین

برای ایجاد یک دکترین دفاعی کارآمد و متناسب با تحولات قرن بیست‌ویکم، ایران باید به اصلاحات ساختاری و راهبردی در ابعاد مختلف این دکترین توجه کند. نخستین رویکرد پیشنهادی، بازتعریف نقش دیپلماسی دفاعی در چارچوب سیاست امنیت ملی کشور است. در جهان امروز، تعامل با همسایگان و کاهش سو برداشت‌های راهبردی می‌تواند به کاهش تنش‌های احتمالی و جلوگیری از درگیری‌های ناخواسته بینجامد. مشارکت فعال در ابتکارهای منطقه‌ای برای امنیت جمعی، تبادل اطلاعات و اعتمادسازی نظامی میان کشورها می‌تواند به افزایش ثبات منطقه‌ای و نیز تقویت بازدارندگی ایران کمک کند.

از دیگر محورهای مهم اصلاح، تمرکز بر توسعه فناوری‌های بومی است. به دلیل تداوم تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، اتکا به ظرفیت‌های داخلی نه تنها یک ضرورت، بلکه یک فرصت برای تقویت استقلال راهبردی محسوب می‌شود. دولت باید با حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه نظامی و تربیت نخبگان علمی، زمینه تولید تجهیزات مدرن و انطباق‌پذیر با تهدیدات نوین را فراهم کند. به‌ویژه در حوزه‌هایی چون هوش مصنوعی، رباتیک نظامی، جنگ سایبری و دفاع بیولوژیکی، کشور نیازمند یک جهش فناورانه و پایدار است.

در بُعد سازمانی، اصلاح ساختار فرماندهی و عملیات نیز باید مورد توجه قرار گیرد. طراحی یک ساختار فرماندهی چابک، هماهنگ و مبتنی بر مأموریت، می‌تواند به افزایش واکنش‌پذیری و کارایی نیروهای مسلح در سناریوهای مختلف منجر شود. استفاده از تجربه افسران جوان، به‌کارگیری مدل‌های نوین آموزش نظامی و تمرین‌های رزمی مشترک می‌تواند ظرفیت عملیاتی نیروها را به شکل چشمگیری ارتقا دهد. همچنین هماهنگی نهادهای امنیتی و نظامی با نهادهای تصمیم‌ساز سیاسی باید تقویت شود تا از پراکندگی و چندانگنی در سیاست‌گذاری‌های دفاعی کاسته شود. افزایش شفافیت و پاسخگویی در فرآیند تصمیم‌گیری دفاعی، از دیگر اصلاحات ضروری است. در دنیای امروز، مشروعیت

اقدامات نظامی نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی اهمیت دارد. ارائه گزارش‌های عمومی، نظارت‌های تخصصی بر عملکرد دفاعی و افزایش تعاملات علمی و رسانه‌ای با جامعه، می‌تواند هم به افزایش اعتماد عمومی منجر شده و هم موجب کارآمدی بیشتر نهادهای دفاعی شود. در نهایت، رویکردهای پیشنهادی باید مبتنی بر یک چشم‌انداز ملی منسجم و آینده‌نگر باشند؛ چشم‌اندازی که امنیت را نه صرفاً از زاویه نظامی بلکه به‌عنوان برآیند تعامل عقلانی میان سیاست، فناوری، جامعه و محیط بین‌الملل تعریف کند. تنها از طریق چنین اصلاحاتی است که دکترین دفاعی ایران می‌تواند با اقتدار و پایداری به پیشواز چالش‌های آینده رود.

سخن پایانی

در جمع‌بندی مباحث، می‌توان نتیجه گرفت که دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای پاسخگویی به چالش‌های امنیتی پیچیده و پویا، نیازمند تحولی بنیادین، ساختارمند و آینده‌نگر است. در جهانی که تهدیدات سنتی به تهدیدات فناورانه، سایبری و ترکیبی تبدیل شده‌اند، اتکای صرف بر عناصر دفاعی گذشته دیگر پاسخگو نیست. ساختار فعلی دکترین دفاعی ایران اگرچه بر پایه تجربیات ارزشمند تاریخی، به‌ویژه جنگ تحمیلی، بنا نهاده شده است، اما تحولات سریع در عرصه فناوری نظامی، تغییر در الگوهای جنگ و وضعیت شکننده ژئوپلیتیکی منطقه‌ای، بر ضرورت بازنگری در این ساختار صحه می‌گذارند.

اصلاح دکترین دفاعی باید مبتنی بر یک نگرش سیستمی و کل‌نگر باشد که ضمن حفظ مؤلفه‌های اثبات‌شده گذشته، زمینه ارتقای توان بازدارندگی کشور در برابر تهدیدات آینده را فراهم آورد. چنین نگرشی مستلزم پیوند میان ابعاد نظامی، فناورانه، دیپلماتیک و اجتماعی دفاعی ملی است؛ به‌نحوی که دکترین جدید بتواند پاسخگوی تهدیدات سخت و نرم، سنتی و نوین، داخلی و خارجی باشد. در این راستا، ایجاد یک دکترین چندلایه، منعطف و هوشمند که قابلیت انطباق با محیط‌های متغیر را داشته باشد، ضرورتی حیاتی است.

باید بر این نکته نیز تأکید کرد که اصلاحات بنیادین در دکترین دفاعی صرفاً یک پروژه فنی یا نظامی نیست، بلکه فرایندی راهبردی و چندسویه است که نیازمند مشارکت فعال نخبگان دانشگاهی، متخصصان فناوری، تصمیم‌سازان سیاسی و فرماندهان نظامی است. این مشارکت می‌تواند موجب خلق گفتمانی فراگیر برای ارتقای امنیت ملی و به‌روزرسانی ظرفیت‌های دفاعی کشور شود. دکترین دفاعی آینده باید نه تنها در برابر تهدیدات نظامی، بلکه در مواجهه با تهدیدات نوپدیدي مانند بحران‌های زیست‌محیطی، حملات سایبری و عملیات‌های اطلاعاتی نیز پاسخگو باشد. در نهایت، تأمین امنیت پایدار و جلوگیری از درگیری‌های ناخواسته، نیازمند اتخاذ رویکردی بازدارنده، فعال و در عین حال تعامل‌محور است. این رویکرد باید مبتنی بر قدرت بازدارندگی هوشمند، دیپلماسی دفاعی مؤثر و توسعه مستمر فناوری‌های بومی باشد. نهادهی‌نه‌سازی چنین رویکردی در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها گامی به سوی ارتقای امنیت ملی خواهد بود، بلکه عاملی برای تثبیت نقش منطقه‌ای کشور و صیانت از منافع ملی در عرصه بین‌الملل محسوب می‌شود. بنابراین، اصلاح دکترین دفاعی، ضرورتی است که برای عبور از چالش‌های موجود و دستیابی به امنیتی پایدار و هوشمند، باید در رأس اولویت‌های راهبردی قرار گیرد.

منابع و مراجع:

۱- مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی – انتشارات دفاعی ارتش و سپاه
۲- موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی – مقالات تخصصی درباره امنیت منطقه‌ای و دکترین دفاعی
۳- فصلنامه مطالعات راهبردی – وابسته به مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
۴- روزنامه همشهری و شرق – گزارش‌های تحلیلی درباره سیاست‌های دفاعی و امنیتی ایران
۵- پایگاه اطلاع‌رسانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران – بیانیه‌ها، گزارش‌ها و اسناد رسمی.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریاد عجزی - اقتصاد سراسر آمد